

## مستدرک نهج البلاغه، مهر تأییدی بر تلاش سیدرضی در دفاع از امام(ع)

اشخاص در طول تاریخ وقتی می‌خواهند مطلبی که قبلاً گفته شده را تکمیل کنند مستدرک می‌نویسند لذا منظور از مستدرک کتابی است که تکمله کتابی دیگر باشد.



اشخاص در طول تاریخ وقتی می‌خواهند مطلبی که قبلاً گفته شده را تکمیل کنند مستدرک می‌نویسند لذا منظور از مستدرک کتابی است که تکمله کتابی دیگر باشد.

خبرگزاری مهر-گروه دین و اندیشه-مصطفی شاکری: مستدرک نهج البلاغه کتابی به زبان عربی در شرح نهج البلاغه تألیف هادی کاشف الغطاء است. این کتاب همانند نهج‌المسافر؛ البلاغه به سه بخش تقسیم شده و دارای ۹۳ خطبه، ۴۶ نامه و ۷۰۰ حکمت است. شیوه مؤلف مانند سیدرضی تقطیع و تلفیق است و سند و منبع احادیث را ذکر نکرده است.

در مقدمه کتاب، مطالبی درباره مؤلف، شروح نهج البلاغه، اعتقادات شیعه، اشکالات بعض مخالفین بیان شده است. کاشف الغطاء در این اثر تلاش کرده تا از نهج البلاغه در مقابل شبهات عصر خویش مبنی بر عدم صحت انتساب آن به امام علی (ع) و گردآورنده آن دفاع کند. مؤلف درصدد اثبات این حقیقت است که قبل از سیدرضی نیز می‌توان ردیای نهج البلاغه را حتی با سند کامل در این آثار پی جویی کرد و این بهترین و محکم‌ترین دلیل برای نفی عقیده عدم صحت انتساب نهج البلاغه به حضرت امیر (ع) است.

در همین رابطه و با هدف آشنایی بیشتر با مستدرکات نهج البلاغه با محمد عترت دوست عضو هیأت علمی دانشگاه شهید رجایی و عضو هیئت مدیره انجمن علمی مطالعات نهج البلاغه ایران گفت و گو کردیم که متن آن را در ادامه می‌خوانید:

\* در ابتدا توضیحی درباره کتاب های مستدرک و سنت مستدرک نویسی در فرهنگ اسلامی بفرمائید.

اولین نکته من درباره این است که معنا و مفهوم کلمه «مستدرک» چیست و به چه کتابی مستدرک گفته می‌شود. مستدرک به معنای تکمیل کننده و اضافه کننده به آن چیزی است که قبلاً گفته و نوشته شده است. اشخاص در طول تاریخ وقتی می‌خواهند مطلبی که قبلاً گفته شده را تکمیل کنند مستدرک می‌نویسند لذا منظور از مستدرک کتابی است که تکمله کتابی دیگر باشد.

مستدرک نهج البلاغه، مهر تأییدی بر تلاش سیدرضی در دفاع از امام(ع)

در طول تاریخ دو جنس کتاب های مستدرک داریم که در بسیاری از کتاب ها مثل الفهرست ابن ندیم اسامی آنها ذکر شده است. ما باید به جریان شناسی کتاب های مستدرک توجه داشته باشیم. ما دو نوع مستدرک داریم برخی نقد کتاب های پیشین هستند یعنی زمانی که افراد می‌خواستند مطالب شخص دیگری را نقد کنند و بگویند شما گزینش خوبی در احادیث یا عقاید کلامی یا گزینش اخبار یک فرد یا تاریخ یک ماجرا نداشتید، مستدرک می‌نوشتند که نوعی نقد محترمانه به شمار می‌آمد. لذا در جریان کتاب های کلامی و همچنین کتاب های فقهی این مسئله را می‌بینیم که گرچه نام کتاب مستدرک گذاشته نشده ولی وقتی محتوای این کتاب ها را مشاهده می‌کنیم در واقع مستدرک هستند.

مثلاً فردی آمده اقوال فقهی یک مذهب را جمع آوری کرده، بعد از او افراد دیگری نظرات همان مذهب را جمع آوری کردند و می‌خواهند بگویند فرد قبلی گزینش ناقصی داشته است. پس این یک نوع از کتاب های مستدرک است که در واقع نقد کتاب های پیشینی است. جریان دوم مستدرک نویسی تأیید کتاب های پیشین است. در واقع مستدرک هم برای نقد بوده و هم برای تأیید. ما شاهد کتاب های بسیار زیادی با نام مستدرک هستیم که تأیید کننده کتاب قبلی هستند و نویسندگان برای اینکه عمل مؤلف قبلی را تأیید کند در تکمله مطالبی که فرد بیان کرده است کتاب جدیدی نوشته و در آن آن چیزهایی که از دست مؤلف قبلی در رفته و از قلم افتاده و نتوانسته آنها را جمع آوری کند، جمع آوری و تکمیل کرده است. در دسته دوم مستدرک نویسی تلاش بسیار می‌شده ساختار کتاب قبلی دقیقاً حفظ شود و در ذیل آن ساختار، این تکمله بیان شود.

\* به عنوان سوال دوم، توضیحی پیرامون مستدرکات نهج البلاغه و انواع آنها بیان بفرمائید.

نکته مهم که در ابتدا باید عرض کنم این است کلیه مستدرکاتی که در رابطه با نهج البلاغه نوشته شده در جریان دوم و به معنای تأیید نهج البلاغه هستند. بر اساس چه دلیلی این مطلب را می‌گوئیم؟ به این دلیل که در تمامی کتاب هایی که درباره نهج

البلاغه نوشته شده شاهد دو مطلب هستیم. مطلب اول اینکه مؤلفان در مقدمه کتاب های خودشان به تعریف و تمجید از سیدرضی پرداختند و اقدام شایسته سیدرضی در معرفی شخصیت و محاسن کلام امیرالمومنین (ع) را تجلیل کردند. حتی شاهد هستیم برخی مؤلفان در مقدمه به صراحت بیان کردند چقدر از نهج البلاغه فیض بردند و تحت تأثیر قرار گرفتند؛ مثل مقدمه ای که محمدباقر محمودی بر کتاب «نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه» نوشته است.

دلیل دوم این است در تمامی این کتاب ها ساختار واحد و ثابت تقسیم مطالب به سه گانه خطبه، نامه و کلمات قصار را شاهد هستیم و از طرفی می دانیم این تقسیم بندی سه گانه یک اقدام نوآورانه و جدیدی بوده که توسط سیدرضی صورت گرفته است. اگرچه در بسیاری از کتاب های حدیثی جمع آوری اقوال امیرالمومنین (ع) را به صورت پراکنده داریم ولی این سه گانه، امری انحصاری است که فقط در نهج البلاغه شاهد آن هستیم. در بسیاری از مستدرکاتی که در طول تاریخ برای نهج البلاغه نوشته شده، مؤلفان با این سه گانه جلو آمدند و تلاش کردند این سه گانه را تأیید کنند. عرض کردم ما در بسیاری کتاب های حدیثی که مسندات اهل بیت را جمع آوری کردند این سه گانه را نمی بینیم و در هیچکدام از کتاب هایی که درباره اهل بیت (ع) نوشته شده این سه گانه وجود ندارد و این انحصاری نهج البلاغه است. پس نکته مهمی که خواستم اینجا عرض کنم این است که تمامی مستدرکات نهج البلاغه موید نهج البلاغه است و هدف آن تأیید نهج البلاغه و اقدام سیدرضی بوده است.

بسیاری از عالمان در جهان اسلام وقتی می خواستند علاقه خودشان را به تشیع یا یک فرد عالم یا اقدام خوب یک فرد نشان دهند برای تأیید آن کار و نشان دادن علاقه خودشان به آن کار تکمله و مستدرک می نوشتند. اینکه در طول تاریخ ده ها مستدرک برای نهج البلاغه داریم همه اینها علاقه مندی افراد به این خاندان و کلام نورانی اهل بیت (ع) را نشان می دهد. لذا ابن ابی الحدید، ابن میثم بحرانی، محمد عبده اهل سنت شرح بر نهج البلاغه می نویسند تا همه ابراز علاقه و محبت خودشان را به امیرالمومنین (ع) نشان دهند. ابن میثم صراحتاً در مقدمه خودش اشاره می کند که به پاس خدمات سیدرضی این کار را انجام می دهم و این امر نشان می دهد چقدر علاقه مند به سیدرضی است.

مستدرکات نهج البلاغه دو نوع هستند. برخی از مستدرکات هستند که نام مستدرک بر آنها نقش بسته و خود مؤلف صراحتاً این مطلب را در عنوان کتاب آورده است که نمونه بارز آن مستدرک کاشف الغطا است. ایشان از علمای بزرگ عراقی بوده است و صراحتاً عنوان کتابش را مستدرک نهج البلاغه گذاشته است یا محمدباقر محمودی که نام کتابش را «نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه» گذاشته است. همه اینها نام مستدرک را در کتاب های خودشان ذکر کردند اما دسته دومی از کتاب های مستدرک وجود دارد که مؤلفان آنها، نام مستدرک را در عنوان کتاب ذکر نکردند ولی از محتوای کتاب و ساختار آن متوجه مستدرک بودن آن می شویم؛ مثلاً احمد بن ناقه کوفه کتابی به نام مَلْحَقُ نهج البلاغه دارد که ملحقاتی برای نهج البلاغه است یا مثلاً حویزی مشعشعی کتابی به نام «النهج القویم فی کلام امیرالمومنین» دارد که آن هم مستدرکی برای نهج البلاغه است.

همچنین علامه میرجهانی اصفهانی از علمای بزرگ کتابی دارد به نام «مصباح البلاغه فی مشکاه الصیغه» که گفته شده مستدرکی برای نهج البلاغه است. شیخ جعفر حائری نیز اثری به نام نهج البلاغه الثانی دارد که برخی فکر کردند نهج البلاغه جدیدی است ولی خود مؤلف در کتاب ذکر می کند من آنچه سیدرضی نیاورده می آورم، پس آن هم نوعی مستدرک محسوب می شود.

باز از سید صادق موسوی کتابی به نام «تَمَامُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ» داریم. آیت الله خویی نیز کتابی به نام «منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه» دارد که برخی فکر کردند فقط شرح نهج البلاغه است در حالی که وقتی وارد متن آن می شویم می بینیم مواردی که سید رضی نیاورده را آیت الله خویی در شرح خودش آورده است. ابن ابی الحدید نیز همین کار را کرده و همه اینها نوعی از مستدرک نویسی است و همه این اقدامات در راستای تأیید مذهب تشیع، امیرالمومنین (ع) و تأیید اقدام سیدرضی بوده است.

\* اشاره کردید یکی از مهمترین مستدرکات نهج البلاغه، مستدرک کاشف الغطاء است. درباره ویژگی های این اثر توضیح بفرمائید.

کتاب «مستدرک نهج البلاغه»، تألیف شیخ هادی کاشف الغطاء به زبان عربی شرحی است بر کتاب شریف نهج البلاغه که در عراق تألیف و به چاپ رسیده است. این اثر یکی از شروح نهج البلاغه است که تمام خطبه های نهج البلاغه و دیگر مطالب آن را در هر بخشی که وارد شده، به خوبی تبیین کرده است. از آنجایی که مؤلف آن از بزرگان علمای شیعه می باشد، از علوم مختلفی در شرح کلمات امام (ع) سود برده است.

گزارشی از محتوا و ساختار کتاب

کتاب در سه باب و بخشی به نام «مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه» تبیین شده است. بخش آخر خود نیز دارای مقدمه، سه باب و الحاق می باشد. مستدرک نهج البلاغه همانند نهج البلاغه به سه بخش تقسیم شده: سخنان، نامه ها و کلمات

قصار. وی سند و منبع احادیث را به دست نداده است و مانند سید رضی ملتزم نیست که تمامی خطبه، یا نامه را ذکر کند یا تنها از یک منبع حدیث را بگیرد بلکه شیوه تقطیع و تلفیق را در نظر دارد. مستدرک نهج البلاغه دارای ۹۲ خطبه و ۵۳ نامه است. این کتاب در ۱۸۹ صفحه، در ۱۳۵۴ قمری توسط انتشارات کتابخانه آندلس در بیروت به چاپ رسیده است. نویسنده، مدارک نهج البلاغه را هم در ۸۰ صفحه به دنبال آورده است.

در باب اول کتاب به بعضی از خطبه های حضرت علی (ع) پرداخته شده است و در این بخش مؤلف خطبه را از مسانید مختلف مورد بررسی قرار داده است و کم و زیاد بودن مطالب را در پاورقی متذکر شده است. باب دوم کتاب، به بررسی نامه های حضرت صرف شده است و تعدادی از این نامه ها را مورد نقد قرار داده است. باب سوم، کتاب متعلق به کلمات قصار حضرت می باشد.

در بخش آخر کتاب «مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه» که خود به سه بخش تقسیم می شود و در ابتدا نیز مؤلف مقدمه ای در توضیح کتاب نهج البلاغه در ابتدای کتاب، ذکر کرده است. در مقدمه کتاب، مطالبی درباره مؤلف، شروح، اعتقادات شیعه، کلمات بعض شکاکین، &hellip; بیان شده است.

اصطلاح مستدرک نویسی در میان نویسندگان، اصطلاحی آشناست و به این معناست که اموری در راستای هدف مؤلف بوده است ولی مؤلف به آن دستیابی نداشته است تا بتواند همه را در تألیف خویش ذکر نماید، لذا لازم است در کتاب دیگری جمع آوری شود. نکته قابل توجه، هدف و انگیزه ی مؤلف است که در مستدرک نویسی باید مورد لحاظ قرار گیرد. مثلاً در کتاب شریف نهج البلاغه سید رضی به قصد جمع آوری سخنانی فصیح و بلیغ، دست به تألیف زده است و علاوه بر این می خواسته فضائل جامع حضرت و محاسن او را بیان کند.

با توجه به مطالب فوق، مستدرک نویس های نهج البلاغه غالباً نتوانسته اند به هر دو هدف دست یابند، گر چه در جلب هدف دوم موفق بوده اند. در مجموع مستدرکاتی برای نهج البلاغه وجود داشته که برخی ها در دسترس نیست و فقط نامی از آنها به یادگار مانده و برخی از آنها موجود است. از برخی از نسخه های نهج البلاغه برمی آید که سید رضی خود در فکر تکمله ای بوده تا همه سخنان حضرت را به منظور تأمین هدف خویش در آن ارائه نماید، ولی چیزی از آن به دست ما نرسیده است.